ای کاش فدک این همه اسرار نداشت — ای کاش مدینه در و دیوار نداشت
فریاد دل محسن زهرا این بود — ای کاش در سوخته مسمار نداشت
کاش قلبم به قبرش راه داشت — کاش زهرا هم زیارتگاه داشت

ایام فاطمیه تسلیت باد

مشکات

مقدرات این مملکت دست این دانشگاهی‌هاست

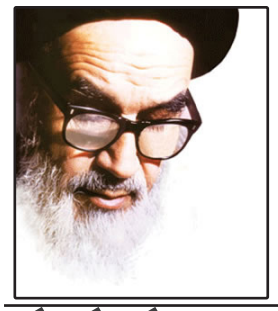

نشریه سیاسی-اجتماعی-فرهنگی مشکات/-سال اول-شماره سوم

۴

.مجلس و ما ادارئک مجلس !

۲
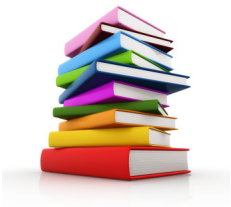
معرفی دو کتاب

۲

فلسفه و منطق مهارت نه گفتن

۴
زنده باد زندگی!
واکاوی فراز وفرودهای جنبش دانشجویی از هاشمی تا روحانی

توافق نهایی میان ایران و آمریکا امضا میشود یا خیر»؟!

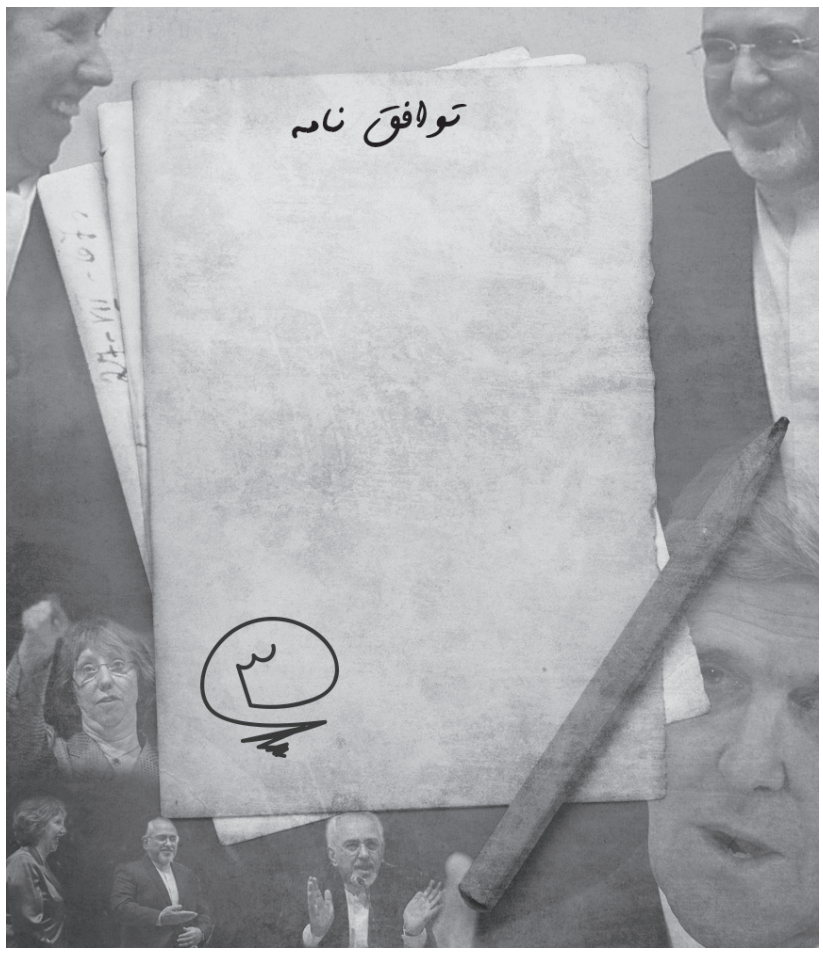

سوال نظر سنجی-شماره ۱
عملکرد یکساله مسئولین دانشگاهی را چگونه ارزیابی می کنید؟
الف-خوب ب-متوسط ج-ضعیف
شما می توانید پاسخ های خود را از طریق سامانه پیامکی به شماره ۵۰۰۰۲۰۳۰۸۰۴۰۵۰بفرستدو در صورت تمایل مشخص کنید که دقیقا کدام بخش مدیریتی دانشگاه مد نظرتان بوده است.

۲

چرا حجاب !!!!

۱

داعش از کجا می آید؟

۳

اندر احوالات شورای صنفی!!!

داعش از کجا می آید؟

همه ی ما نام داعش یا همان دولت اسلامی عراق و شام -بعداً دولت اسلامی- را شنیده ایم،از اقداماتی که این گروه طی سال های اخیر در منطقه انجام داده است، کم و بیش اطلاع داریم، می دانیم تحرکات این گروه به نام اسلام چه صدمات جبران ناپذیری به وجهه ی اسلام زده است و حاصل این گروه در مناطق حضور چیزی جز نکبت و تباهی نبوده است. غرب اگر سال ها قصد برنامه ریزی برای اسلام هراسی داشت و سعی می کرد اسلام را بد نشان دهد، هیچ گاه نمی توانست به خوبی این گروه اسلام هراسی کند. شرق شناسان غربی در آن چه نگاشته و یا تولید کرده اند، همواره بر روی اسلام هراسی تاکید ویژه ای داشته اند، یکی از این کتب که ما نام آن را شنیده ایم، کمدی الهی نوشته ی دانته می باشد، برای یافتن آنکه شرق شناسان بر علیه اسلام چه ها نوشته اند، ادوارد سعید نویسنده ی فلسطینی الاصل ساکن آمریکا، کتاب مبسوطی تحت عنوان شرق شناسی نگاشته و مجموعه ای از دورغ هایی که جهت اسلام هراسی گفته شده را در آن جا گردآورده است، اما هیچ یک از این کارها، به اندازه ی اقدامات داعش نتواسته و نخواهد توانست چهره ی رحمانی دین اسلام را خراب کند و اساساً جریان تکفیری به صورت عام در این اتفاق نقشی بی بدیل ارائه کرده است.

برای ایرانیان به عنوان یکی از بزرگترین کشورهای مسلمان، که طیف متفاوتی از مذاهب مختلف اسلامی را در خود جای داده است، پذیرش اقدامات داعش بسیار سخت می نماید، چرا که ما نیز همچون آن ها داعیه ی پایبندی به اسلام ناب محمدی را داریم و فارغ از مذهبی که به آن شناخته می شویم، در کنار هم زندگی می کنیم و حتی پیروان ادیان دیگر نیز در کنار ما، به راحتی به عبادت می پردازند و عبادتگاه های خویش را دارند. برای نمونه در خیابان خیام جنوبی شهر ارومیه، که یکی از مراکز اصلی اقتصادی شهر ارومیه می باشد مسیحیان، کلیسا دارند و به راحتی به عبادت می پردازند و یا آنکه اهل تسنن شهر، دارای مسجد و همچنین امام جمعه می باشند و در روستاهای سنی نشین نیز وضع به همین منوال است. در دانشگاه خودمان نیز مسلمانان از مذاهب مختلف، در کنار مسیحیان در حال تحصیل می باشند و هیچ مشکلی وجود ندارد، اگر ساکنین این سرزمین مسلمان هستند، پس آنچه توسط تکفیری ها در جاهای دیگر رقم می خورد چیست؟

خاطرات مستر همفر کتابی است که طی سال های اخیر پیرامون پیدایش وهابیت و چگونگی دست داشتن دستگاه جاسوسی انگلیس در آن نوشته شده است، در این کتاب نحوه ی کشف محمد بن عبدالوهاب و رسیدن وی به تفکرات تند شرح داده شده است. فارغ از آنکه بخواهیم محتویات این کتاب را رد یا تایید کنیم، نمی توانیم ریشه ی این تفکرات را در متون اسلامی بیابیم و راهی جز نقش سیاست و خواسته های آن ها برای توضیح آن باقی نمی ماند.

روزی در خلافت عثمانی ها شیعه کشی به عنوان یکی از راه های رسیدن به بهشت مطرح بود و علمای آن روزگار فتوا میدادند، که اگر کسی فلان قدر شیعه بکشد، یقیناً بهشتی خواهد بود و در مقابل این حرکت خلافت عثمانی، دولت صفوی به عنوان داعیه دار حکومت شیعی، در مقابل مجوز کشتن اهل سنت را برای توقف شیعی کشی در خلافت عثمانی را داد. با افول اختلاف بین دو دولت، این اتفاق نامیمون متوقف شد و سالها مذاهب مختلف در صلح کنار یکدیگر زندگی می کردند، تا آنکه جریان وهابیت مجدد پدید آمد و به صورت یک مذهب، یک طرفه فتوا به قتل شیعه داد، با توجه به انچه در بالا گذشت تنها نکته ای که در ذهن یک انسان متبادر می گردد، دخالت سیاست است و احتمال صحت کتاب مستر همفر را بالا می برد. این گروه طی سال ها مهمترین بروز و ظهورش کشتار شیعیان، حمله با اماکن مقدس و تخریب آن ها بود. از این دست اقدامات می توان به حمله ی آن ها به کربلا، تخریب مقبره ی ائمه ی شیعیان در بقیع اشاره کرد. نکته ی قابل اعتنا این است که این مقبره ها طی سال های حکومت اهل سنت بر آن منطقه وجود داشتند و با ظهور وهابیت تخریب آن ها کلید خورد.

دومین ظهور و حضور وهابیون در افغانستان و در عصر معاصر بود، زمانی که شوروی به خاک افغانستان حمله کرد و آمریکا به دنبال آلترناتیوی برای حضور در افغانستان بود تا خود به صورت مستقیم به جنگ با این گروه نپردازد، طالبان و سازمان جهانی القاعده این نقش را بر عهده گرفتند و حضور این گروه نیز در افغانستان و قدرت گرفتن آن ها، معلول سیاست ورزی دستگاه امنیتی غربی بود. این گروه پس از خروج شوروی از خاک افغانستان مجدداً، به رویه ی اسلاف خود بازگشت و شروع به تهاجم به شیعیان کرد. نکته ی مهم این دوران ادعای این گروه در آزاد سازی مسلمین از قید کافرین بر اساس آیه ی نفی سبیل بود، اما اینان بی آنکه اندیشه کنند مگر تاجیکها، ازبکها و ترکمن ها که الان در شوروی هستند و با افغانستان هم مرز می باشند، مسلمان هستند رسالت خود را تمام شده یافتند و شروع به شیعه کشی و اعمالی شبیه داعش نمودند.این اعمال در ذهن بسیاری از ما هنوز نقش بسته، همان جا که این گروه دست به سر بریدن شیعیان میزد و یا مجسمه های تاریخی بودا را منفجر می کرد. تاریخ مصرف این گروه زمانی تمام شد و آمریکایی ها مدعی شدند حمله به برج های دوقلو کار این گروه بوده است، و در پس این اتفاق به دو کشور منطقه را به مرز نابودی رساندند و این گروه مجدد به عنوان ابزار سیاست آخرین رسالت خود که همانا دادن بهانه به آمریکایی ها برای حضور بود را انجام داد.

با شروع بیداری اسلامی در منطقه و تشدید فشارها بر رژیم منحوس صهیونیستی، جریان تکفیر کانال جدیدی برای فعالیت باز کرد، آن کانال تحرک این جریان در سوریه و نقل و انتقال صدها هزار تکفیری از سراسر جهان به سوریه بود. تکفیری هایی که به بهانه ی مبارزه با اسد، به سلاح های مدرن توسط آمریکا و شیوخ مرتجع عرب مجهز شدند. امروز این گروه حضور و بروز و قدرت گیری خود را مدیون سیاست و اقدامات سیاسیون می باشد.

به خوبی بیاد داریم یکی از دلایل رویگردانی مردم مصر از مرسی قدرت گیری جریانات تکفیری و اقدامات آن ها در به شهادت رساندن شیخ شحاته (عالم بزرگ اهل سنت که به تشیع گرویده بود)، قتل مخالفین مرسی در تظاهرات و اقدامات تندروانه و ایجاد رعب برای مردم شد و در این حین السیسی توانست با یک کودتا که با حمایت مردم همراه بود، قدرت را به دست بگیرد، اما در اوج نابا‌وری جریان تکفیر دولت کودتا را به رسمیت شناخت و اینک نیز در حال همکاری با آن است، حال آنکه پیش از آن اقدامات اینان فضا را برای کودتا مهیا کرده بود و این مجدد ظن تاثیرپذیری رهبران آن ها از دستگاه های امنیتی غربی را تقویت می کند.

آنچه در بالا آمد، جزیی از کل داستان، حضور تکفیر در بین مسلمین است، این جریان نه زاییده از درون اسلام، که زاییده ی سیاسیون و دستگاه های امنیتی غربی است و در هر جایی که دستگاه های جاسوسی و امنیتی غرب نیاز داشته به عنوان بازویی برای این جریان عمل کرده است و الان نیز فارغ از آنانی که از روی اسلام نشناسی و جهالت جذب این جریان می شوند، رهبرانشان یقیناً سر در آبشخور دستگاه های امنیتی غرب دارند. امید است که حداقل جنازه ی بغدادی به دریا افکنده نشود و مردم بتوانند حرف های وی را بشنوند.

علی صمدی

چرا آمریکا خواهان رفع حصر موسوی و کروبی شد؟

روز ۲۵ بهمن ماه، وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای رسمی نسبت به حصر سران فتنه در ایران واکنش نشان داد و رسماً در امور داخلی، یک کشور عضو «سازمان ملل» مداخله کرد. می‌توان به‌راحتی از این موضوع گذشت و آن را در چارچوب مداخلات مرسوم زیاده‌خواهانه آمریکا در «جمهوری اسلامی» ارزیابی نمود.

مهم‌ترین نمود استفاده از ظرفیت‌های باقی‌مانده از جنبش سبز ۲۰۰۹ میلادي، به تلاش برای رفع حصر «موسوی» و «کروبی» مربوط می‌شود. این تلاش‌ها در آستانه انتخابات ریاست جمهوری خردادماه گذشته، دو چندان شدند. اپوزیسیون خارج‌نشین در برهه قبل از انتخابات، فشارها برای رفع حصر سران فتنه را افزایش داد و بویژه خواهان رفع حصر «موسوی» برای شرکت در انتخابات شد. این اقدام برای آن صورت گرفت که وانمود شود عدم رفع حصر به دلیل ترس نظام از پیروزی «موسوی» در انتخابات و واهمه از بی‌شماری حامیان جنبش سبز است.

وعده‌های انتخاباتی روحانی، زمینه‌ساز امیدواری فتنه‌گران درباره نتیجه‌بخش بودن فشارها برای رفع حصر «موسوی» و «کروبی» شد، طوری که بعد از استقرار دولت جدید، بحث از رفع حصر سران فتنه به دست «دبیرخانه شورای امنیت ملی» بالا گرفت. اوج موج خبری درباره احتمال آزادی «موسوی» و «کروبی»، مقارن با انتصاب «علی شمخانی» بعنوان «دبیر شورای امنیت ملی» و در آستانه سفر رئیس جمهوری به «نیویورک» برای شرکت در «مجمع عمومی سازمان ملل»؛ صورت گرفته بود.

همزمان با این سفر، «سخنگوی قوه قضائیه» از عفو ۸۰ تن از محکومان امنیتی و «فتنه ۸۸» با موافقت رهبری معظم انقلاب اسلامی؛ خبر داد. هر چند که دستگاه قضائی صراحتاً اعلان نمود که این آزادی‌ها طبق روال عادی انجام شده و شروع روند اداری آن از قبل انتخابات صورت گرفته، رسانه‌های اپوزیسیون آن را زمینه‌سازی نظام برای رفع حصر سران فتنه در دولت جدید؛ تعبیر نمودند«وزارت خارجه آمریکا» نیز در بیانیه‌ای از آزادی شماری از زندانیان امنیتی استقبال کرد و «سخنگوی وزارت خارجه آمریکا» از «روحانی» خواست که به وعده‌های انتخاباتی‌اش؛ مبنی بر آزادی‌های سیاسی- اجتماعی عمل کند و گفت: «ما امروز بار دیگر دولت ایران را فرا می‌خوانیم که همه زندانیان سیاسی را از زندان آزاد کند» اصلاح‌طلبان تندرو همچنین، با توجه به وعده‌های انتخاباتی رئیس جمهور، انتصاب «شمخانی» به «دبیری شورای امنیت ملی» را زمینه‌سازی برای رفع حصر سران فتنه تعبیر کردند.

نمایشی از تلاش رسانه‌های اپوزیسیون داخلی و خارجی برای نمادسازی از موسوی و کروبی اگر مقامات با رفع حصر موافقت کنند، فتنه‌گران با این ادعا که بی‌شمارند،این اقدام را پیروزی خودشان خواهند دانست و برای پیگیری اعتراض مصمم تر خواهند شد.

عدم تکذیب رسمی و محکم خبرهای شایعه‌آمیز درباره دیدار «شمخانی» با «موسوی» و مغالطه ارجاع پرونده حصر به «دبیرخانه شورا امنیت»؛ باعث شد که رسانه‌های حامی فتنه، راحت‌تر بتوانند بر موج خبری فوق سوار شوند. به همین موازات، برخی از اظهارات و اقدامات مسؤولان دولتی، باعث شد که شایعات درباره بازنگری در پرونده حصر ضریب نفوذ بالاتری بیابند.

از این گذشته، تأکید بر رفع حصر سران داخلی جنبش سبز، بعد از امضای توافق مقدماتی هسته‌ای با ایران در «مذاکرات ژنو » - سوم آذرماه ۱۳۹۲ ه.ش- همچنان ادامه داشته است و این دو مسئله رفته‌رفته، در حال ارتباط گرفتن بودند. «گری سیمور» در تحلیلی از آینده توافق‌نامه ژنو برای «مؤسسه بین‌المللی مطالعات امنیتی لندن» می‌نویسد: «اوباما از فرصت پیش آمده براي مذاکره مستقیم با ایران، به منظور حل مسئله هسته‌اي و در نهایت؛ عادي‌سازي روابط با تهران استقبال کرد. علاوه بر این، برخي کارشناسان ایران فکر مي‌کنند که «روحاني» تصمیم دارد، پیگیري سیاست گسترده‌تر اصلاحات سیاسي و اقتصادي در داخل و سیاست خارجي معتدل را در کنار پیروزي سیاسي‌اش (توافق ژنو) قرار دهد».

دولت جدید با تأکید ویژه بر تأثیرگذاری سیاست خارجی و تحریم‌ها بر امور معیشتی و اقتصادی داخلی؛ نوع جدیدی از دیپلماسی با آمریکا را به ظهور رسانده که پیش از آن کسی شاهد آن نبوده است. در حالی که قبل‌تر، دیدار وزرای خارجه ایران و آمریکا یا هر تماس دیپلماتیکی بین رؤسای جمهور دو کشور یک تابو و ممنوعیت به شمار می‌آمد؛ دیپلماسی روحانی- اوباما، تابو را شکست.

شباهت دیگر این است که در هر دو سوژه، اعضای خانواده رهبران در حبس، نقش ویژه‌ای را بازی می‌کنند، در اوکراین دختر «تیموشنکو» به نیابت از مادرش به عرصه میدانی اعتراضات رفت و بارها بیانیه‌های مادرش را خواند و مقامات آمریکایی و اروپایی به نیابت از «یولیا» با وی دیدار کردند؛ در ایران نیز دختر «موسوی» ضمن ایجاد درگیری با مأموران امنیتی و مظلوم‌نمایی در عرصه رسانه‌ای، اخبار مربوط به دیدارها با «موسوی» و «رهنورد» را در اختیار رسانه ها قرار می‌دهد.

وداستان این گونه پیش می رفت که:

یه هویی !اهدای جایزه ساخاروف از طرف هیئت پارلمانی اروپا به ستوده پناهی در سفارت یونان در تهران- همه را شوکه می کند حال تحلیل ما نسبت به این مسئله این گونه است: ۱- آغاز روند قبح‌زدایی و حساسیت‌زدایی از ملاقات مستقیم عناصر اپوزیسیون در ایران با طرف خارجی، ۲- تحمیل این موضوع به دولت و دیگر نهادها در ایران که اگر خواهان بهبود روابط با غرب هستند، جلوی این مقدار از ارتباط را نمی‌توانند بگیرند، ۳- ایجاد یک پشتوانه خارجی برای اپوزیسیون داخلی که اروپایی‌ها تصور می‌کنند، برخورد با این افراد را در داخل ایران دشوارتر خواهد کرد، ٤- وادار کردن دولت به آغاز مذاکرات درباره حقوق بشر با غرب، به موازات موضوع هسته‌ای، ٥- وادار کردن ایران به تعدیل برخی از رفتارهایش در حوزه‌های قضائی و امنیتی به عنوان شرط لازم بهبود روابط با غرب (بعنوان نمونه «کرونبرگ» به «رادیو فردا» گفته که ایران قصد دارد، اعدام‌ها را کم کند) و ٦- حرکت به سمت ارگانیک‌کردن این ارتباطات، از طریق تأسیس دفتر دائم در ایران و ارتباط با NGOها، با هدف توانمندسازی جامعه مدنی در ایران.

سجاد ترابی

مسئله آزادیت و اسلامیت بدون تبری!

دانشجویان به عنوان مردمی ترین قشر جامعه وظیفه سنگینی در تحقق و چگونگی شعارهای انقلاب برعهده دارند. دانشجو نماد بیداری جامعه است. به تعبیر شهید بهشتی(ره) دانشجو موذن جامعه است اگر خواب بماند نماز امت قضا می شود. معانی استقلال و آزادی در چارچوب اندیشه و مذهب و فرهنگ ملت ما کاملا معلوم و مشخص است. مراد مردم ما از استقلال، عدم وابستگی به کشورهای دیگر، قائم بودن به مردم در اداره ی کشور و استقلال از قدرت های جهانی است و مراد از آزادی حق تعیین سرنوشت، حق اظهار نظر، مشارکت سیاسی در انتخابات و...در بستر فرهنگ اسلامی و دینی ماست. استقلال آن چیزی که برایش به معنای واقعی هزینه پرداخت کردیم گذر از جنگ هشت ساله،ایستادگی در برابر توطئه های داخلی و خارجی نمونه های از حفظ اسقلال خواهی یمان بوده است.

آزادی اما داستان دیگری دارد: کشمکش بر سر اینکه «کدام آزادی؟ » ریشه تاریخی در این کشور دارد. از جنبش شیعی مشروطه شرعی که بعدها و در اثر انحراف در تفسیر مفهوم آزادی مشروطه شرطی از آن استخراج کردند گرفته تا زمان حاکمیت دولت اصلاحات که مفهوم دیگری ازآن مراد شد) نظیر این صحبت های خاتمی که این آزادی است که دین را محدود می کند و نه دین آزادی را و...(تاریخ کشور ما برآیندی از نتیجه این منازعه نظری درباره مفهوم آزادی و اسلامیت بوده است. منازعه ای که هنوز هم با کلماتی نظیر اسلام مدافع آزادی ،اسلام رحمانی، اسلام دعوت کننده به همزیستی ادامه داشته است.برخی می خواهند مفهوم اسلامیت را تا انتهای آزادیت فرود و تنزل آورند تا شعارهای شبه روشنفکرانه شان که نشئت گرفته از نبود تعمق دقیق و دانشمندانه در نظریات اسلامی است بارور گردد.پرواضح است که این عده میخواهند شعارهای لیبرال دموکراسی را بصورت وجهی ناقص از نظریات اسلامی تئوریزه کنند.اسلامی که تشیع با ان شناخته می شود همان اسلامی است که در «مدینه النبی » به دستور رسول اکرم، کاروان اقتصادی قریش _ که از شام به مکه روانه بود _ را مورد تعرض و تهاجم مسلحانه قرار داد وجنگ خودخواسته ی بدر ثمره ی همین اقدام رسول اکرم اسلام بود.

شاخصه های اسلام ناب همچون اقیانوسی وسیع است که بخشی از آن را رحمانیت، آزادیت و همزیستی و ... در بر میگیرد و بخش مهم و غیر قابل انکاری دارد بعنوان جهاد! جایگاه این معقوله در منظر اسلام ناب آنقدر رفیع است که اباعبدالله الحسین(ع) فرمودند «ان الحیاه عقیده مع الجهاد ! » تشیع انگلیسی بدنبال اسلام تولی، بدون تبری می گردد تا جامعه ی اسلامی استاتیک را بجای جامعه ی دینامیک که محصولش «امت » است همانند کند. غرب زده هایی که گاه سخن از عملکرد غیرعقلانی ائمه تا عاشورا می رانند و گاه خواستار حذف برخی فرازهای زیارت عاشورا با لِیبلِ «خشونت » می شوند.

معادله آزادیت و اسلامیت یک معلوم دارند و چند مجهول! به این صورت که آزادی را بایستی با توجه با سایر خصیصه های اسلام مورد بررسی قرار داد و مهمترین معلومش « مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاء عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاء بَيْنَهُمْ » است. اکنون سوال اینجاست مردم ما برای کدام آزادی انقلاب کردند و دانشجویان ما دلبسته کدام نوع آزادی هستند و با چه تفسیری ازآن پیروی می کنند؟ متاسفانه بوده اند همیشه عده ای که نام ثقیل روشنفکر بر خود گذاشته اند و سخن از سر تا پا غربی شدن زده اند یا هرچه را در سنت و گذشته خودی بوده است را به چوب سنت رانده و هرچه متعلق به غرب است را به نام مدرنیته به آغوش کشیده اند. میرزا ملکم خان و تقی زاده دو نمونه از این روشنفکران! بودند. ادامه دارد....

علی اوجاقی

معرفی کتاب:

۱.دین و دوران «خلاصه آثار استاد شهید مرتضی مطهری»

ناشر کتاب : دانشگاه امام صادق (ع)

این اثر که مدخلی بر نظام فکری استاد شهید مرتضی مطهری است، به این پرسش محوری پاسخ می‌دهد که مطهری چگونه اسلام را با دنیای جدید و مقتضیات آن منطبق می‌شمارد و از سازگاری میان آن دو

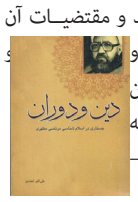

بلکه از هدایت‌گری دین در دنیای نو سخن می‌گوید.همچنین کتاب دین و دوران خلاصه کتاب های: خدمات متقابل اسلام و ایران – نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر – پیرامون انقلاب اسلامی و پیرامون جمهوری اسلامی – اسلام و مقتضیات زمان – قیام و انقلاب مهدی(عج) می باشد.

۲.چهل تدبیر (مروری بر مقاطع بحرانی تاریخ جمهوری اسلامی ایران)

مولف: محمد علی الفت پور

ناشر کتاب: پرستا

این کتاب بر آن است تا سیری منطقی، متنوع، موثر و راهگشا از تدابیر نظام جمهوری اسلامی در آغاز دهه چهارم انقلاب ارائه دهد.

۲۱ مورد از این چهل پرونده مربوط به حیات سیاسی امام راحل(ره) و ۱۹ مورد آن مربوط به دوران زعامت مقام معظم رهبری(مدظله العالی) است. به یقین هریک از این دو مقطع زمانی، دارای ویژگی های خاص و منحصر به فرد خود است که هیچ یک بر دیگری ترجیح و برتری ندارد؛ چرا که هر غائله و فتنه در هر زمانی بر اساس شرایط زمانی و مکانی مختص خود طراحی می شود که تدبیری از جنس زمان و مکان خود را می طلبد.

فلسفه و منطق مهارت نه گفتن

آغاز بسیاری از به دام افتادن ها ، انحرافات ، معاصی و در نتیجه شقاوت آدمی در عدم نه گفتن می باشد و همچنین حریت و بندگی و سعادت آدمی در نه گفتن به موانع رشد و کمال خلاصه می گردد .

عزیزان؛ نه گفتن مهارتی بسیار مهم در زندگی و بندگی انسانی می باشد که باید آن را آموخت تا که صاحب قدرت انتخاب و اختیار گردید و به معنای حقیقی انسان شد.

مهارت با اهمیت نه گفتن ریشه در آموزش و فرهنگ و تعالیم بشر دارد تا بدانیم به چه چیز یا به چه کسی نه بگوییم .

برای فهم مسئله با ذکر مثالی به توضیح آن پرداخت به فرض «ما به زیبایی ها نیاز داریم چون از آن لذت می بریم و نتیجه لذت آرامش روح است»

حال این یک سطر را با سوالاتی تجزیه و تحلیل باید کرد :

۱-آیا می توانم از هر زیبایی برای روحم استفاده کنم ؟

۲-آیا هر زیبایی لذت واقعی است یا آنی و کاذب ؟

۳-آیا من مقدورم که از هر لذتی منتفع گردم؟

٤-آیا هر لذتی به آرامش روح منتج می شود؟

٥-و ....

حال شما کودک یا نوجوانی را در نظر بگیرید که بدون رسیدن به جواب این همه سوالات و مجهولات رشد می کند و به مرحله مهم جوانی می رسد و جوان نیز در اوج لذت طلبی و هیجان دوستی و در بوران این همه سردرگمی ها و سرگرمی های دنیا در تشخیص دچار مشکل و تزلزل خواهد بود که آیا فلان عمل و فلان چیز یا فلان کس حقیقتا نفع دنیوی و اخروی برای جسم و روحش در پی دارد یا خسران دنیا عقبی.

نتیجه میگیریم نه گفتن وابسته به تبدیل مجهولات به معلومات است حال باید منبع جامع و درستی برایشان باشد باز با ذکر مثالی برای رسیدن به این منبع و جهت درک مسئله بیشتر درگیر گردیم به فرض ما به درمان نیاز داریم اما نه هر درمانی چون هر درمانی التیام بخش نیست و اگر التیام بخش است اثر موقت خواهد بود یا دائم .

درمان برای چه؟ برای مداوای درد .درست که نامش درمان باشد آیا مخصوص فلان درد هست یا نه ؟

مداوای درد برای چه؟ برای سلامتی و راحتی جسم.

سلامتی جسم برای چه؟برای آرامش روح

حال آیا آرامش روح وسلامتی جسم به هم مربوط می شوند؟ بله روح اگر دردی نداشته باشد جسم در سلامت خواهد بود و اگر جسم درد نداشته باشد روح نیز در آرامش خواهد بود مولوی هم می گوید «تن زجان و جان زتن مستور نیست « حال سلامتی جسم و آرامش روح برای چه ؟در جواب باید برگردیم به هدف خلقتمان که خداوند می خواهد و این حقیقتی بیش نیست «و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون » «وجن وانسان را نیافریدم مگر تا مرا عبادت و پرستش کنند.» غیر این نیست اگر در فلسفه ذات هدف و غایت هر چیزی بنگریم و تعقل کنیم و در محدوده ی محدودی نمانیم به ذات حضرت حق تعالی خواهیم رسید

دین خدا اسلام است و کتاب آن قرآن کریم و اسوه های آن اهل بیت علیهم السلام می باشند که پیامبر از این دو به ثقلین یعنی دو چیز گرانبها و سنگین یاد میکند و این برنامه ای کامل برای تمام انسانها و برای تمام اعصار و قرون می باشد برنامه و راهنمایی که به ما می آموزد چه راست است و چه دروغ و اسلام خود با نه گفتن شروع می شود در لااله الا الله ما مسلمانان به تمام خدایان نه «لا»میگوییم جز الله ،خدایی که برای رشد و رستگاری ما در قرآن و اهل بیت آیات و برنامه هایی برای زندگی دنیا و آخرت ما از ریزترین و درشترین احکام قرار داده تا مبتلای آفات و بلیات و نادرستی ها و کژی ها نگردیم .

ودر پایان به عنوان یک مسلمان باید مراقب حربه ها و شعارهای جاهلیت مدرن و عوامل آن باشیم با نام تمدن و تجدد و روشنفکری و ....

ودر اصلاح و نه گفتن به نفس سرکش و لذت طلب باز نمانیم از آن خدای زیبای مطلق که لذت های واقعی همه در راه اوست بخواهیم که شیفته جهان پر از رنگ و نیرنگ امروز نباشیم و نشویم و بدانیم دلباختگی به رنگهای دنیا جملگی نیرنگ است و روزی رنگها نیرنگ میشود.

عزیز شیرینی

حساب سرانگشتی و خنده تاسف بار

باتوجه به اینکه روزهای آخردوره کارشناسی ارشد بنده بودخواستم تغییراتی درزندگی ام ایجادکنم وبه قول گفتنی آستین بالا بزنم ، به خاطرنیازم خواستم لپ تاپ بخرم اما یه حساب سرانگشتی کردم دیدم وسعم نمی رسد به فکرم افتادبرم اداره بورس و وام و وام تحصیلی و خریدلپ تاپ تقاضادهم ، جاتون خالی رفتم وسوال کردم گفتندوام تحصیلی حدود۳۰۰تومنه و وام خرید لپ تاپ را باید محاسبه کنندبعد بهم بگند بنده حقیر امیدوار نشستم مسئول کامپیوتر صدام زد وباخنده گفت اگر قیمت لپ تاپ ۲میلیونو۱۰۰هزارتومن باشد میدونید چقدر وام به شما تعلق می گیرد گفتم حداقل ۱میلیون تومن ،گفتند نه ریاضی شما ضعیفه حدود ۹۵هزارتومن . ازاداره بورس و وام اومدم بیرون داشتم حساب اینو می کردم که اگر یک نفر ضامن کارمند پیداکنم که تعهد محضری دهد هزینه اش حول حوش ۵۰ هزارتومن می باشد با بقیه پول چکارخواهم کردچندین فرضیه به ذهنم اومد چون شما دانشجو هستیدباهاتون درمیان می ذارم اگه ممکنه به کسی نگید مسخرتون می کنند

۱-اگه روی این پول ۲ میلیونو۵۵هزارتومن بذارم میتونم لپ تاپ ۲۱۰۰۰۰۰ تومنی بخرم

۲- ۱۰۵تومن بذارم می تونم کیفشوبخرم

۳-بااین پول می شود یک جین جوراب چینی خرید

٤-باهاش می تونم حدود ٤هفتهآخرهفته هاغذا رزرو کنم اونم اگه بشه

چندتوصیه برادرانه به دوستان:

۱-لپ تاپ نخرید

۲-اگه خواستین لپ تاپ بخرین وام خرید خونه + لوازم خانگی +خرید لپ تاپ تقاضا دهید

۳- لپ تاپ ۱۰۰تومنی بخرین چون بهش وام تعلق نمی گیرد

قضاوت :

خودتون قضاوت کنین درچنین شرایطی که این قدر به دانشجو اهمیت قائل اند خدا وکیلی علم پیشرفت می کند.

سجاد رحیمی

توافق نهایی میان ایران و آمریکا امضا میشود یا خیر»؟!

این سؤالی است که طی نزدیک به یکسال و نیم اخیر و از زمان نشستن دکتر ظریف بر صندلی هدایت وزارت خارجه دولت یازدهم، دائم و مکرر از زبان هرکسی شنیده میشود.

سؤالی که اگرچه تعداد کلمات آن کم ، اما پاسخ آن طولانی است.

نگاهی به ماهیت واقعی چالش میان ایران و آمریکا

در« توافق نهایی ایران و آمریکا »دو خواسته ظاهری وجود دارد خواسته ظاهری اول مربوط به آمریکاست که در شرایط فرضی توافق نهایی، تمام تحریم ها را علیه ایران اسلامی لغو کند و خواسته ظاهری دوم نیز مربوط به ایران است که در شرایط مذکور، فعالیتهای هسته ای صلح آمیز خود را در چارچوبی که آمریکا حاضر باشد به آن بگوید اعتمادآمیز!ادامه میدهد.

اما آنچه که در باطن این دو خواسته قرار دارد، مفهومی در ورای این گونه مسائل است و آن ماهیت وجودی ایران وآمریکاست.در توضیح این حقیقت، باید برای بار هزارم اعتراف کرد که ایران و آمریکا از زمان رویداد انقلاب اسلامی در سال ۵۷ با یکدیگر دشمن شده و دشمن خواهند بود.

*در شرایط توافق نهایی:

فرض کنیم که اکنون چند روزیست که از امضای چیزی به نام توافق نهایی گذشته است...

آیا قابل فرض است که آمریکا شاهد پیشرفت های بزرگ ایران بویژه در عرصه های اقتصادی باشد و مقامات آمریکایی از این پیشرفت ها ابراز خرسندی کنند؟!آیا آمریکا تحمل خواهد کرد که در پی این پیشرفت های فرضی، بر دامنه نفوذ ایران که امروز در خاورمیانه و بالکان گسترده شده؛ در داخل اروپا و آمریکا و آفریقا و شرق نیز افزوده شود؟!از سوی دیگر آیا مقامات کشورمان خواهند پذیرفت که مثلا از تحقیق درباره ساخت فضاپیماهای با قابلیت حمل انسان(که به سوخت هسته ای باغنای ۵۰ درصد به بالا نیاز دارند) چشم پوشی کند؟!

همچنین مقامات کشورمان با سایر بهانه های آمریکا در قضیه حقوق بشر، حمایت ایران از حزب الله و حماس و غیره چه خواهند کرد؟

از توافق نهایی ما تا<< توافق نهایی آن ها>>!!

حقیقت ماجرا این است که همانطور که مقام معظم رهبری نیز فرموده اند؛ عده ای در داخل ایران هستند که راه حل مشکلات کشور را در گرو برقراری رابطه با آمریکا میدانند.

این عده با آن که در مسیر توافق با آمریکا گام برمیدارند اما به دیوار بلندی به نام «موانع »یا همان خط قرمزهای ایران و البته آمریکا برخواهند خورد.

چه اینکه ایران اعلام کرده است به تعلیق یا کاهش تعداد سانتریفیوژهای خود راضی نخواهد شد و همانگونه که آمریکا اعلام کرده است اساسا فرض« لغو تمامی تحریم ها »یک چیز غیر عقلایی است!

و لذا عده مذکور داخلی از مدتها قبل با به کار بردن جملاتی مثل «نباید نگران تعداد سانتریفیوژها باشیم »و...به سمت چیزی به نام« توافق به هر قیمتی »حرکت کرده اند.

اکنون به ترسیمی مختصر از دوران پس از امضای توافق نهایی آنها می پردازیم .

فرض بر اینکه چنین چیزی که احتمال آن کم است محقق شود و توافق نهایی آنها امضا بشود؛ در گام اول باید رؤیای مطلوب لغو تمام تحریم ها را از یاد برد و دانست که در این فضا اگرچه « آنها !»شروع به نغمه سرایی درباره توافق خواهند کرد اما در حقیقت هیچ تحریم تأثیرگذارعلیه ایران لغو نخواهد شد.

گام دوم آنست که باید منتظر هر نوع دشمنی تکراری نظیر تحریم، حمایت از وقوع ترور در ایران، حمایت ازدشمنان خارجی ایران و غیره از سوی کاخ سفید باشیم و بدانیم که هیچکدام از این مقولات برخلاف« روح توافق نهایی آنها!» نیستند

و گام سوم یا مهمترین گام این است که در توافق نهایی آنها ! نه تنها هیچ پیشرفت و دستاورد ملموسی قابل مشاهده نخواهد بود ، بلکه طی آن شاهد کاهش ملموس روند پیشرفتهای علمی کشور خواهیم بود.

وحید علمی

اندر احوالات شورای صنفی

از وقتی که وارد دانشگاه شدم از گوشه وکنار می شنیدم که یه چیزی به اسم شورای صنفی تو دانشگاه بوده و در سال ۸۸ به واسطه سو، استفاده از امکاناتی که برایش در نظر گرفته بودند ،منحل شده بود ودر این میان عده ای فقط اعتراض می کردند که چرا منحل شده وشورای صنفی برای دانشگاه و دفاع از حقوق صنفی دانشجو نیاز است و...

وعده ای هم انحلال شورای صنفی را تایید می کردند چرا که بر خلاف آیین نامه وارد فعالیت های سیاسی شده بود و نمونه ای که شنیدم از این قبیل فعالیت های غیر صنفی ،این بود که در تجمع دانشجویان در دانشکده دامپزشکی و بلایی که سر کارمندان آن آورده بودند....

همه این اتفاقات باعث شده بود که مسئولین آن زمان دانشگاه ،کاستی های نبود شورای صنفی را به آفت های بودنش ترجیح دهند و شورای صنفی را از بیخ تعطیل کنند ...بگذریم...دراین میان عده ای معتقدند که تعطیلی شورای صنفی ، دلیل اصلی بوجود آمدن کم وکاستی های صنفی در خوابگاه،سلف،سرویس ها ،دانشکده ها و...بوده .کم وکاستی های که حتی بعد از تشکیل مجدد شورای صنفی در تیم ریاستی جدید هم جولان میداد.

بعد از روی کار آمدن تیم جدید ریاستی دانشگاه واقدامات اصلاح طلبانه شورای صنفی دانشگاه با نگرش جدیدی که بوجود آمده بود دانشگاه را تحت تاثیر خودش قرار داد واما!...معاونت دانشجویی دانشگاه که سکانداری کشتی نجات دانشجویان در دریای مشکلات صنفی، متصور می شد تلاش کرد که یکی از مهم ترین وعده ها که البته بیشتر ابلاغی از وزرات فخمیه علوم بود را اجرا نماید، به این ترتیب در یک انتخابات آزاد!!! شورای صنفی تشکیل شد ولی دوستان شورای صنفی دانشجویان می دانستند که با چه مشکلاتی روبرو خواهند بود و دانشجویان در این میان منتظر رفع مشکلات صنفی و خوابگاهی ، مشکلات امور تغذیه ای که تا حدی قبل از تشکیل شورای صنفی بر طرف شده بود.

دوستان خیلی تلاش کردند که وانمود کنند که تیم جدید ریاستی، دغدغه صنفی دانشجویان را هم دارد روزها از پی هم یکی پس از دیگری گذشتند و همچنان امید به شنیدن صدای دانشجویان از درگاه شورای صنفی بیشتر می شد اما در عمل، شورای صنفی کمتر به چشم می آمد، کمتر با دانشجویان و در بین آن ها دیده می شد و همچنان شب دراز است و قلندر بیدار یعنی مشکلات صنفی همچنان باقی است، خوابگاه ها بی در و پیکر، سرویس کم و دانشجو زیاد و... تا اینکه به ماه پایانی سال ۹۳ رسیدیم.

۹ ماه بعد از تشکیل شورای صنفی، بیانیه ای از طرف شورای صنفی دانشجویان صادر شد که آب سردی بود بر شعله های امید برخواسته از تشکیل شورای صنفی دانشجویان.

بیانه ای که با بیانی خودمانی بیان می کند که : اعلام می داریم با توجه به تلاش های مان در تمام امور صنفی - رفاهی دانشگاه موفق نشدیم آنچه در شان شما می باشد به انجام برسانیم و دلیل این به نتیجه نرسیدن تلاش ها را چیزی جز عدم حمایت معاونت دانشجویی و حوزه ریاست دانشگاه نمی دانیم ... عوام فریبی قشر دانشجو توسط مسئولین دانشگاه ، قرار دادن اعضای شورای صنفی به عنوان سپر انتقادات دانشجویی، ایجاد حاشیه امن برای موفقیت شغلی خود مسئولان ، شعارهای پوپولیستی ، عدم تعهد به کار محوله و در نتیجه قرار ندادن امکانات مورد نیاز از مواردی است که در این بیانیه ، به موانع فعالیت شورای صنفی نام برده شده اند ... مواردی که اعضای شورای صنفی چند ماه بعد از تشکیل شورای صنفی به آن رسیدند، در همان اوایل جنب و جوش و اصرار مسئولین برای تشکیل شورای صنفی قابل حدث بود ، جایی که حتی آیین نامه ی تشکیل شورای صنفی به طور کامل ابلاغ نشده بود و اصرار بر این بود به هر قیمت باید قبل از اتمام سال تحصیلی ۹۲-۹۳ شورای صنفی تشکیل شود جایی که تشکل های دانشجویی چندین بار معاونت دانشجویی را از این تصمیم عجولانه نهی کردند اما دیگرمعاونت دانشجویی ،تشکیل شورای صنفی را به عنوان یک هدف برای خود قرار داده بود نه وسیله ای برای رفع مشکلات صنفی دانشجویان ودر نهایت نیز در رساندن بار کج خود به مقصد ناکام ماند.

واین طور شد که شورا صنفی توسط بعضی ها به شورای صیفی مبدل گردید تا همگان بدانند که به دغدغه های دانشجویان تره ای هم خورد نمی شود.در شماره بعدی جزئیات بیشتری را بدون تعارف و رودربایستی بیان خواهیم کرد.

علیرضامحمدی

چرا حجاب !!!!

یکی از مهم ترین مسائل دانشگاه ، مسئله پوشش و حجاب دانشجو هاست...

این مسئله خیلی خیلی مهمه . برای اثبات این ادعامون میتونیم دانشگاه های بزرگ دنیا رو مثال بزنیم:

- دانشگاه کالج ترینیتی: پوشیدن کفش های جلوباز و لباس های کوتاه ممنوع است.
- دانشگاه مری واشنگتن: پوشیدن تی شرت با عکس های آزار دهنده و لباس های دارای پارگی ممنوع است.
- دانشگاه لیبرتی آمریکا: پوشیدن بلوز یا پیراهن های یقه دار ضروری است.
- دانشگاه لید سیتی نیجریه: پوشیدن لباس تنگ یا بدون آستین بدون پوشیدن کت یا ژاکت بر روی آن ممنوع است.
- دانشگاه ملی سنگاپور: لباسهای حاوی جملات و تصاویر ناشایست و کفش های راحتی ممنوع است.
- دانشگاه دولتی فلوریدا: کفش هایی با پاشنه هایی که ارتفاعی بیش از دو اینچ دارند ممنوع است.
- دانشگاهی در فیلیپین: استفاده از رنگ موهای زننده، خالکوبی و سوراخ کردن اعضای صورت ممنوع است.
-

دانشگاه کالیفرنیا برکلی: استفاده از لباسهای بدن نما در این دانشگاه ممنوع است.

این دانشگاه ها برای گذاشتن این قوانین دلایل خودشونو داشتن مثل کاهش میزان حواسپرتی در دانشجویان، افزایش تمرکز و توجه به مسائل مهمتر آموزشی و تحصیلی، ایجاد جو مناسب برای حضور در دانشگاه، محافظت از شان، اعتبار و خوشنامی مراکز تحصیلی و دانشگاهی، از بین بردن نشانه های ظاهری اختلاف طبقاتی میان دانشجویان و ایجاد هویتی به نام دانشجو در ورودیهای جدید.

پس وضع قوانین برای کنترل پوشش نمی تونه ناقض آزادی باشه ...

اصلاً آزادی وقتی معنا پیدا میکنه که درچارچوب قانون باشه وگرنه اسمش بی بندوباریه...!!!

حالا میخوایم ببینیم تو کشور ما باید وضع پوشش چجوری باشه و چه قوانینی باید توش اجرا بشه.

خوشبختانه ما تو کشوری زندگی میکنیم که اسلامیه و ما بچه مسلمونیم. پس میتونیم نتیجه بگیریم که طبیعتاً باید قوانینمون هم اسلامی باشه...

پس ما باید تو جامعه اسلامی ، پوشش اسلامی داشته باشیم.

حالا قوانین پوشش اسلامی چیه؟

یعنی مردمی که توی جامعه اسلامی زندگی میکنن تا چه حدی میتونن تو پوشش خودشون حق انتخاب داشته باشن. قرآن کریم و روایات جواب ما رو دادن. حالا میخوایم در چند قسمت به تشریح بحث حجاب بپردازیم.

قسمت اول: غرب و زنان

غربی ها که دشمنی اونا با ما مسلمون ها ثابت شده هستش ، با شعار آزادی زنان میخوان طوری القا کنن که حجابی که برای زنان در اسلام قانون شده ، آزادی اونا رو سلب میکنه.

شاید تو نگاه اول حرفشون جالب و شیرین به نظر برسه ولی دقیق تر که نگاه کنیم می بینیم که این مسئله آزادی زنان در واقع آزادی زنان نیست بلکه آزادی مردانه...!!!

آزادی مرد در اینکه خیلی راحت بتونه به هر زنی خواست نگاه کنه و یا با هر کی خواست ارتباط برقرار کنه و زن رو وسیله لذت جویی خودش بکنه و مثل کالا بهش نگاه کنه. زن باید آرایش کنه تا مرد لذت ببره ، زن باید بدن و صورت خودش رو از بین ببره تا مرد سودش رو ببره. همیشه با خودم میگم یعنی زن اینقدر ارزششو پایین می دونه که حاضره چند ساعت روی چهره و اندامش کار کنه تا مثلاً یه مرد بهش علاقه نشون بده ، اونم چه علاقه ای...

علاقه ای که با ارضا شدن مرد تموم میشه و آخر سر کسی که ضرر میکنه زنه نه مرد...!!!

غربی ها که امروز دم از دفاع از حقوق زنان می زنن، تا چند سال پیش زن رو مثل یه کسی می دونستن که فقط به درد لذت مرد می خورده. اصلاً زمزمه ی آزادی زن از سوی غربی ها، از قرن نوزدهم شروع شد. تو اون موقع مدیرای کارخونه ها به دنبال نیروی کاری می گشتن که ارزون قیمت، کم درد سر، کم توقع و... باشه و از همون جا مسئله ی آزادی زنان رو سر دادن و زنان رو از خونه هاشون به سمت کارخونه ها کشیدن و با این کار از ارزش و کرامت زن کم کردن و پولهاشونو زیادتر کردن...

در اینجا با استفاده از کلام شیوای مقام معظم رهبری، یه نمونه از نگاه های غرب نسبت به زن و مقایسه ی اون با دین اسلام رو مطرح می کنیم:

« در همین کشورهای غربی، تا چند سال قبل از این - نه خیلی زیاد - زنانی که در مراکز آموزش عالی تحصیل می‌کردند، حق نداشتند مدرک کتبی تحصیلات عالی خودشان را بگیرند! در همین اواخر، در بعضی از کشورهای غربی - از جمله در انگلستان - یکی از مجلاتّ یکی از کشورهای غربی - که نمی‌خواهم از آن کشور و از آن مجلّه اسم بیاورم - پیرزنی را معرفی کرده بود که در سال ۱۹۱۷ - یعنی تقریباً هفتاد سال قبل - در حدّ دکترا تحصیلات عالیه کرده است؛ لیکن به او مدرک تحصیل نداده‌اند! بعد سؤال می‌کند، چرا مدرک تحصیل نداده‌اند؟ می‌گوید که چون تا سال ۱۹۴۷ در انگلستان، به زنانی که تحصیل می‌کردند، مدرک تحصیلی نمی‌دادند و می‌گفتند که زن نباید مدرک تحصیلی بگیرد! این‌ها امروز آمده‌اند و در مقابل جمهوری اسلامی، مدّعی حقوق زن شده‌اند! در همان سالهایی که چنین حقارتهایی در فرهنگ غربی مشاهد می‌شد، در ایران اسلامی، «بانوی اصفهانی» اجازه اجتهاد از مجتهدان درجه اوّلِ آن روز اسلام داشت و در اصفهان، حوزه تدریس فلسفه و فقهش دایر بود! اسلام، این است.»

حضرت آیت الله خامنه ای(قدس سره)

اخبار مشکات

نتانیاهـو در کنگـره آمریـکا خطـاب بـه مقـام معظـم رهـبری گفـت او کسـی اسـت کـه ایدئولـوژی قدیـم را بـا تکنولـوژی جدیـد ادغـام کـرده ،او توییـت می‌کنـد کـه اسراییـل بایـد نابـود محـو شـود و اینکـه رهـبری ایـران چهـار پایتخـت کشـور عربـی را هدایـت و کنـترل مـی کنـد.

بلـه بازهـم مـی گوییـم کـه رژیـم منحـوس و غاصـب صهیونیسـتی بایـد از بیـن بـرود.

مجلس و ما ادارئک مجلس!

اکـبر هاشـمی رفسـنجانی در ادعایـی پسـته گونـه گفـت «در مهمتریـن پـروژه دولـت کـه تـلاش می‌شـود بـه سرانجـام برسـد و تیـم مذاکـره کننـده هسـته‌ای نیـز مـورد حمایـت رهـبری اسـت، بـاز ایـن دلواپسـان چـه بـر سرشـان می‌آورنـد و بـا نتانیاهـو همزبـان شـده‌اند»

خـوب اکـبر جـان حـالا کـه ایـن جـوری شـده بگـو بریـزن مجلـس رو بگیـرن والا!!!

۳.ابتکار یا خیانتکار؟

رییـس سـازمان محیـط زیسـت بـه جـای ایفـای وظایفـش ،بنزیـن وارداتـی را سیاسـی می‌کنـد، موضـوع دریاچـه ارومیـه را نادیـده مـی گیـرد، گـرد و غبـار خوزسـتان و غرب کشـور را خـودش پیگیری نمـی کنـد، سـوء مدیریـت منابـع آبـی در اسـتان‌های اصفهـان و چهارمحـال بختیـاری و خوزسـتان را بـه یـدک مـی کشـاند آیـا بـا ایـن حـال او شایسـته ریاسـت مـی باشد؟شـما بگوییـد؟

۵.تجمع دانشجویان مقابل وزرات صعنت ومعدن:

افزایـش وارادت کالاهـای غیـر لازم و عـدم توجـه و حمایـت از تولیـدات داخلـی علـت اصلـی ایـن تجمـع در برابـر وزرات وزیـر کهنـه کار و لیـبرال مسـلک دولت تمدیـد وتحریم! بود ؛دانشـجویان درایـن تجمـع اعتراضـی مقابـل وزارت صنعـت پلاکاردهایـی بـا مضامیـن حصـر مالیـات و عوارضـی، خـام فروشـی منابـع معدنـی بـه خـارج مسـاوی خاتـم بخشـی از بیـت المـال اسـت، سـازمان توسـعه و تجـارت خانـه تیمـی واردات، خـام فروشـی معـادن بـی غیرتـی اقتصـادی اسـت، جنـاب نعمـت زاده امـروز فشـار واردات

کشـور را از پـا درمـی آورد پاسـخ شـما چیسـت، رانت‌هـای اتـاق بازرگانـی را قطـع کنیـد، قـرارداد تلویحـی بـا ترکیـه مسـاوی ترکمنچـای اقتصـادی، آیـا قوانیـن و مقـررات واردات و صـادرات توجهـی بـه اسـتقلال و عـزت کشـور دارد، لغـو شـبنم مسـاوی تسـهیل قاچـاق، آقـازادگان در لیسـت انتخابـات اتـاق بازرگانـی چـه می‌کننـد بـا در دسـت داشـتن ایـن پلاکاردهـا در تجمـع حضـور پیـدا کردنـد.

-آیا دانشگاه تهران دارای کد خدا می شود یا نه؟

در آخریـن جلسـه شـورای عالـی انقـلاب فرهنگـی کـه بـه ریاسـت رییـس جمهـور برگـزار شـد خـبری از تصمیـم انتخـاب رییـس دانشـگاه تهـران نبـود وچـه بسـا سیاسـی کارهـای دوسـتان بـرای انتخـاب احتمالـی «محمـود نیلـی احمدآبـادی» مانـع از ایـن کار شـد.

-کاسبی تشییع انگلیسی یا بازی دین و مذهب؟

تشـیع انگلیسـی کنـار سـفره‌های چـرب می‌نشـیند و سـفره‌ای بـه نـام مذهـب پهـن می‌کنـد و در آن ذکـر مصائـب اهـل بیـت (ع) را مـی‌آورد، بـه عبـارت دیگـر دیـن و مذهـب سـفره کاسـبی بـرای ایـن افـراد اسـت کـه خطـر بزرگـی بـوده و اسـلام را تهدیـد می‌کنـد.

آیا محقق می شود؟

الـزام دولـت بـه حـذف یارانـه خانوارهـای پردرآمـد وحـذف سـهمیه بنزیـن در سـال ۹۴،در حالیکـه ایـن روزهـا از حـذف یارانـه هـای اقشـار پـر در آمـد صحبـت مـی شـود ولـی در کنـار آن بویـی از کلاه گشـاد سر ملـت هـم از طـرف دولـت ،خالـی از دهـن نیسـت!حال بایـد ادامـه قصه(شـما بخوانیـد غصـه) را ببینیـم.

طرح استانی شدن انتخابات و دیگر واقعا هیچ؟

مسـئله اسـتانی شـدن انتخابـات مجلـس در حالـی طـرح و پیگیـری مـی شـود کـه گـروه هـای سـودجو و منفعـت طلـب از چنـد مـاه پیـش خـود را درگیـر ایـن کار کردند.ایـن کار بیـش از هـر چیـز دیگـری حقـوق شهرسـتانها را متـضرر خواهـد کـرد و از طرفـی عدالـت انتخاباتـی را زیـر سـوال مـی بـرد.

از ایـن بـه بعـد چـوب لای چـرخ مسـئولین دانشـگاه هـم خواهیم گذاشـت منتظر باشـید...

بدون شرح!

نشریه سیاسی-اجتماعی-فرهنگی مشکات
-سال اول-شماره سوم
سردبیر:علی اوجاقی
مدیر مسئول:سجاد ترابی
صاحب امتیاز: جامعه اسلامی دانشجویان
و تقدیر وتشکر از آقایان
حاج عبداللهی،آبیار،ایمانی،جعفری که در این شماره نهایت همکاری را داشتند.
سامانه پیامکی:۵۰۰۰۲۰۳۰۸۰۴۰۵۰
رایانامه: meshkatjad@gmail.com
وبلاگ: http://urmiajad.blog.ir/

زنده باد زندگی!

واکاوی فراز وفرودهای جنبش دانشجویی:

* دوران سازندگی،دوران افول جنبش دانشجویی:

در ایـن دوره نقـش جنبـش دانشـجویی بسـیار کمرنـگ بـه چشـم مـی آمـد. تشـکل هـای دانشـجویی بسـیار محـدود فعالیـت میکردنـد و بـه نوعـی در حـال پوسـت انـدازی بودنـد در واقـع مـرور آن دوران نشـان میدهـد کـه فعالیـن و تشـکلها بـه سـمت و سـوی همخوانـی خـود بـا ظرفیـت هـای تـازه و مطالبـات بـروز شـده نیـل مـی یافتنـد. البتـه عـد ه ای گـمان میبردنـد کـه بـه دلیـل اینکـه کشـور نیـاز بـه سـازندگی زیـر سـاخت هـای اقتصادی دارد اولویـت بـا توسـعه در ایـن حـوزه اسـت و نیـازی نیسـت کـه بـه مقـولات دیگـر پرداختـه شـود.

آنـان توسـعه را تـک بعـدی و یـک جانبـه نگرانـه میدیدنـد و در ایـن راه دچـار خبـط تاریخـی میشـدند کـه توسـعه اقتصـادی ارجـح بـر دیگـر سـطوح توسـعه ای اسـت. در ایـن دوره جنبـش دانشـجویی شـاید ناخواسـته حالـت گوشـه نشـینی و انـزوا را پیـش گرفـت بنابرایـن مـی تـوان نـام ایـن دوره را دوره انـزوای ظاهـری جنبـش دانشـجویی نامیـد.

* جنبش دانشجویی در دوران إصلاحات

ارتبـاط جنبـش دانشـجویی بـا احـزاب اصـلاح طلـب و تعامـل دو سـویه و چنـد سـویه ایـن جریـان بـا گـروه هـای سیاسـی عاملـی اسـت بیشـترین ضربـه را در سـال هـای اخیـر بـه جنبـش دانشـجویی وارد کـرده اسـت. و در ایـن بـاره مجیـد فراهانـی بـه عنـوان عضـوی از جبهـه مشـارکت مـی گویـد: «اگرچـه دانشـجویان خاتمـی را بـر مسـند ریاسـت جمهـوری نشـاندند امـا رابطـه درسـت و منطقـی میـان اصـاح طلبـان و دانشـجویان برقـرار نشـد و در بسـیاری مواقـع ایـن جنبـش مظلومانـه تنهـا مانـد و در نهایـت بـه رادیکالیـزه شـدن آن انجامیـد. امـا تجربـه سـال هـای گذشـته نشـان مـی دهـد کـه رفتـار چریکـی تنهـا بـه انشـعاب داخلـی و ضربـه خـوردن ایـن جریـان مـی انجامـد بنابرایـن بایـد ایـن جنبـش بـا حرکـت هـای جبهـه ای همـراه و همـگام شـود و البتـه از سـهم خواهـی در قـدرت بپرهیـزد و زبـان گویـای مـردم باشـد. »

در انتخابـات دوم خـرداد ۷۶ زمانـی کـه قاطبـه فعـالان دانشـجویی متوجـه شـدند کاندیـدای مـورد نظـر طیـف راسـت چنـدان التفاتـی بـه کنشـهای سیاسـی در طبقـه دانشـجو نـدارد و احتـمال میدادنـد فضای سیاسـی بیشـتر به سـمت و سـوی روندهای سـنتی و تفاسـیر تحدیـد افـزا سـوق یابـد تصمیـم گرفتنـد از کاندیـدای رقیـب مـورد نظـر دولـت یعنـی خاتمـی حمایـت کننـد و بـا برگـزاری کرسـی های آزاداندیشـی، مناظـره هـا، و سـخنرانی هـا فضـای موجـود جامعـه را بازتـر کننـد.

بـا وجـود اینکـه جنبـش دانشـجویی در فکـر نقـد نهادهـا و سـازما نهـا بـود امـا در میـان تعـدادی تشـکلها کاسـت یهایـی بوجـود آمـد کـه میتـوان بـه طـور تلویحـی از دیـد آسـیب شناسـی بـه ۳ مـورد از آن شـاره کنیـم.

الـف: هنگامـی کـه تعـداد زیـادی از فعـالان دانشـجویی بـه دولـت اصلاحـات گرایـش پیـدا کردنـد برخـی از آنـان خـود وابسـته بـه کانونهـای قـدرت شـدند بـه همیـن سـبب وظیفـه نقـادی خـود را بـه مجریـان امـور فرامـوش کردنـد. بـه همیـن جهـت اسـت کـه تمـام تشـکلها چـه راسـت گـرا و چـه چـپ گـرا هیـچ گاه نبایـد وابسـته بـه گـروه یـا سـازمانی قدرتمنـد باشـند، جنبـش دانشـجویی بایـد همـواره اسـتقلال خـود را حفـظ کنـد.

ب: برخـی از فعـالان دانشـجویی و تشـکل هـا از آرمـا نهـای خـود فاصلـه گرفتنـد بـه گونـه ای کـه رفتارهایـی انجـام دادنـد و شـعارهایی سر میدادنـد کـه دشـمنانه بـود و در راه مبـارزه بـا اسـتکبار خارجـی در تضـاد بـود. مثـلا» عبـور از اصلاحـات و خـروج از حاکمیـت.»

ج: هرچـه زمـان میگذشـت تشـکلها وحـدت خـود را از دسـت میدادنـد. در میـان تشـکل هـای چـپ گـرا ماننـد دفـتر تحکیـم وحـدت انشـعاباتی بوجـود آمـد و در ایـن مـدت تشـکل هـای راسـت گـرا هرکـدام بـا یـک شـعار خـاص فعالیتشـان بیشـتر مـی شـد و متاسـفانه بـه جـای اینکـه جنبـش دانشـجویی وقـت خـود را صرف آگاهـی بخشـی تـوده جامعـه کنـد بیشـتر بـه منازعـات سیاسـی میپرداخـت.

* آتشی در میان جنبش:

اگـر بخواهیـم نـگاه گـذرا و سـطحی بـه بـه دولـت نهـم تـا زمـان حـال بیاندازیـم شـاید ایـن دوره را بـا توجـه بـه اتفاقاتـی کـه بـرای جنبـش دانشـجویی در دوران گذشـته افتـاد و بـا توجـه بـه رویدادهایـی نظیـر انتخابـات ریاسـت جمهـوری ۸۸ بتـوان بـه نوعـی دوره افـول جنبـش دانشـجویی نامیـد. اتفاقاتـی کـه بیشـتر ملهـم از فضـای بیرونـی بـود تـا فرآیندهـای مرتبـط بـا جنبـش دانشـجویی مولـف ههـای درون زای آن.

یکـی از شـاخصه هـای ایـن فضای ناچسـب بـرای ک شـهای فزاینـده و پیشـبرنده را میتـوان در رواج نوعـی عـدم اطمینـان میـان دانشـجویان سراغ گرفـت. آنـان گـمان میبرنـد کـه نمـی تواننـد بـه راحتـی سخنانشـان را بازگـو کننـد چراکـه آسـتانه تحمـل مسـئولان در مواجه بـا نقـد از انـان کمـتر شـده اسـت. از طرفـی هـم اگـر نقـدی میشـود بـه گفتـه هـای جنبـش دانشـجویی اهمیـت چندانـی داده نمی شـود. اگـر بخواهیـم بـه آسـیب هـای دوره افـول جنبـش دانشـجویی بپردازیـم مـی تـوان بـه چهـار مـورد آن اشاره کرد.

الـف: بسـیاری از فعـالان دانشـجویی بـه راحتـی تفکرات فکـری خود را بازگـو نمیکننـد همیـن امـر باعـث شـده اسـت در سخنانشـان بـه راحتـی ذهنایتشـان بازگـو نشـود و برخـی از مسـئولان فـارغ از فضای نقـادی ملمـوس و سـیال بـه راحتـی سر بـه بالیـن بگذارنـد حـال علـت ایـن اتفـاق یـا مصلحـت اندیشـی اسـت و یـا خـوف از بیـان نقـد.

ب: نوعـی شـتابزدگی در میـان تعـدادی فعـالان دانشـجویی وجـود دارد مثـلا اگـر نقـدی بـه اجزایـی از حاکمیـت از جانـب اشـخاص حقیقـی و باسـابقه بازگـو شـود فـورا بـدون پشـتوانه فکـری بـه آن واکنـش تنـد نشـان میدهنـد. قاطبـه فعـالان ایـن کار را نهـی میکننـد امـا تعـدادی از تشـکل هـای متهـم و منتقـد ایـن رفتـار، حـاضر نیسـتند بیانیـه دهنـد و از ایـن کار رسـما تـبری بجوینـد البتـه ایـن سـاختار در دور ههـای گذشـته هـم بـه چشـم میخـورد امـا بـه ایـن شـیوه گسـترده دیـده نمـی شـد.

ج : اگـر بخواهیـم به آسـیب سـوم بپردازیـم می توان گفـت در دوره افـول جنبـش دانشـجویی انتقـاد از جانـب تعـدادی دانشـجویان بـه قـوه مجریـه تـا حـدودی وجـود دارد امـا بـه دیگـر نهادهـا چنـدان پرداختـه نمـی شـود و شـاهد انتقاد ملموسـی نیسـتیم.

د: مهمتریـن آسـیبی کـه در حـال حـاضر جنبـش دانشـجویی بـا آن دسـت و پنجـه نـرم میکنـد ایـن اسـت کـه شـعارهای جنبـش دانشـجویی بـا بسـیاری از مطالبـات فعلـی بدنـه دانشـجویی فاصلـه بسـیاری دارد. قطعـا اصلـی تریـن دلیـل ایـن مشـکل نـوع اسـتخوان بنـدی کـج و معـوج و یـا سـاختار آسـیب پذیـر ایـن جنبـش اسـت. مقـام معظـم رهـبری همیشـه نـگاه خاصـی بـه جنبـش دانشـجویی داشـته و دارنـد.در اینجـا لازم اسـت تـا بیاناتـی از ایشـان را در ایـن زمینـه یادآورشـویم. رهـبر معظـم انقـلاب در ۲۴ آذر سـال ۸۷ بـا حضـور در دانشـگاه علـم و صنعـت، وظایـف دانشـگاهیان و دانشـجویان را تبییـن کردنـد و در بخشـی از سـخنان خـود بـه روایـت تاریخچـه ی جنبـش دانشـجویی در ایـران پرداختنـد:

ایشـان دربـاره کلیـدی بـودن نقـش دانشـگاه در قبـل انقـلاب مـی فرماینـد: «دانشـگاه هـا یـك بخـش لاینفـك از نهضـت روحانیـت بودنـد. البتـه در دانشـگاه هـا جریانهـای الحـادی و ضـد دینـی و مارکسیسـت و غیـره هـم بودنـد، لکـن آن حرکـت غالـب، مربـوط بـود بـه دانشـجوهای مسـلمان. لـذا گـروه هـائی کـه تشـکیل میشـد - گـروه هـای مبـارز – و کارهـائی کـه انجـام میگرفـت مثـلاً در زندانهـا - ایـن زندانهـای گوناگـون در سـالهای مختلـف کـه مـا خودمـان تجربـه کردیـم - در همـه جـا، دانشـجوها هـم حضـور داشـتند؛ یعنـی روحانیـون و دانشـجویان عمـده ی زندانـی هـا را تشـکیل میدادنـد. همـین موجـب شـد کـه مـا روحانیـون مشـهد، علـمای مشـهد و جمـع کثیـری از مـردم مشـهد در سـال ۵۷ ، قبـل از پـیروزی انقـلاب، وقتـی میخواسـتیم تحصـن انجـام بدهیـم، ایـن تحصـن در مرکـز دانشـگاهی پزشـکی امـام رضـا انجـام گرفـت؛ یعنـی مرکزیـت دانشـگاه. در تهـران هـم تحصـنِ علـما و روحانیـون و انقلابیـون و مبارزیـن بـرای ورود امـام - کـه در ورود ایشـان تأخیر شـده بـود - در دانشـگاه تهـران انجـام گرفـت. اینهـا نشـان دهنـده ی نقـش دانشـگاه و نقـش دانشجوسـت، تـا انقـلاب پـیروز شـد. »

البتـه در مسـیر پـر پیـچ و خـم انقـلاب اسـامی افـرادی بـوده انـد کـه از راهـی کـه پیمـوده بودنـد پشـیمان شـدند و در جهـت انـکار آرمـان هـای خویـش برآمدنـد.جنبـش دانشـجویی هـم از ایـن مقولـه در امـان نماند.افـرادی کـه در زمـان تسـخیر لانـه جاسوسـی آمریـکا در اول انقـلاب جـزو افـرادی بودنـد کـه در آن واقعـه حضورداشـتند بعـد از گذشـت چنـد سـال حـرکات خـود را افراطـی گـری خواندنـد و در حـال حـاضر هـم داعیـه دار رابطـه بـا آمریـکا هسـتند.البته کسـانی چـون شـهید وزوایـی هـا در آن زمـان فاتحیـن لانـه شـیطان بـزرگ بودنـد امـا شـیرینی ایـن فتـح بـه کام دیگرانـی نشسـت کـه خـود را جـزو اصلـی تریـن افـراد مـی دانسـتند!!! گمنامانـی بودنـد کـه بـه خاطـر فقـدان شـهرت طلبـی دم برنیاوردنـد امـا فرصـت طلبـان از ایـن تقـوای آنـان اسـتفاده سـوء کردنـد و خـود را بـه ناحـق افـراد اصلـی تسـخیر لانـه خواندنـد. امـا همیـن افـراد مثـلا قهرمـان در فتنـه ۸۸ مسـیر فتنـه گـران را طـی نمودنـد و خـون بـه دل حـق گرایـان کردنـد .پشـیمانانی کـه از کارهـای نکـرده خـود پشـیمان شـدند.جا دارد روایتـی را از علی(ع)نقـل کنم.ایشـان مـی فرماینـد: « لا یـری الجاهـل الا مفرطـا او مفرطـا »جاهـل دیـده نمـی شـود مگـر در مسـیر افـراط و تفریـط. آن هایـی کـه در آن زمـان لانـه شـیطان بـزرگ را تسـخیر کردنـد شـاید دلیـل قانـع کننـده ای بـرای خویـش نداشـتند و فقـط از روی شـهوت شـهرت طلبـی یـا چیـز دیگـر ایـن کار را انجـام دادنـد امـا مـا افـرادی را هـم میشناسـیم مثـل شـهید وزوایـی کـه در مسـیر خـود ثابـت قـدم ماندنـد و بـه لقـاء ا...پیوسـتند.

علی اوجاقی